

آرمان‌های جهانی آموزش و پرورش

آرمان‌های جهانی آموزش و پرورش از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر می‌روند، همه بشریت را فارغ از نژاد، دین، و مرام در بر می‌گیرند، و متضمن رسالتی هستند که آموزش و پرورش باید در پایدار ساختن تفاهم صلح و امنیت، برابر ساختن فرصت‌ها، استقرار حقوق و عدالت اجتماعی، گسترش مرزهای دانش و معرفت و پیشبرد بشریت به سوی کمالات انسانی در سراسر جهان بر عهده گیرد.

آرمان‌های جهانی آموزش و پرورش در دستورات ادیان بزرگ، نوشته‌ها و گفته‌های متفکران انسان‌دوست، و همچنین در پارهای از منشورها و توصیه‌نامه‌های سازمان ملل منعکس هستند. شاید تصور شود که این قبیل هدف‌ها جز آرزوهای طلایی جهان‌فاصله چیزی بیش نیستند، خارج از دسترس بشر و بنابراین بی‌حاصل. درست است که موانع بزرگ و دشواری‌های بی‌شماری بر سر راه تحقق یافتن این آرزوهای جهانی قرار دارند، ولی در عین حال، منکر اهمیت و لزوم آنها برای هدایت بشریت به سوی تمدن و ارزش‌های عالی انسانی نمی‌توان شد، و بدون پرتو آنها چه بسا انسان در پی ارزش‌های هوس‌انگیز، به وادی تسلط‌جویی انسان بر انسان کشیده شود و در منجلاب انحطاط‌ها فرو رود.

ممکن است این سؤال پیش آید که این قبیل هدف‌های دیررس چه فایده و دلالتی برای برنامه‌ریزی آموزش و پرورش می‌توانند داشته باشند؟ درست است که برنامه‌ریز باید پایش در میدان عمل و واقعیت‌ها باشد، ولی باید سر را نیز در دنیای تفکر و اندیشه جارد، چشم به آینده بشریت دوزد، و فراسوی مصالح حال و مقام، لااقل در راهی که به سر منزل مطلوب می‌رسد قدم گذارد؛ مثلاً، یکی از مواد منشور حقوق بشر که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده این است که آموزش پرورش به‌عنوان یکی از حقوق همه افراد محسوب می‌شود. اگر این توصیه جدی تلقی شود، چهره آموزش و پرورش جهان، تغییر و تحولی بنیادی پیدا می‌کند؛ زیرا نظام و ساخت آموزش و پرورش موجود بر این پیش‌فرض پی‌ریزی شده است که آموزش امتیاز است و به‌همین جهت سدهای گوناگونی بر سر راه آموزش و پرورش گذاشته شده است از جمله، هدف آزمون‌ها این است که شاگردان را به اصطلاح غربال کند، آنهایی را که زرنگ و درس‌خوان هستند به مدارج بالاتر راه دهد، و آنهایی را که کم‌استعداد یا ضعیف شناخته می‌شوند از ادامه تحصیل باز دارد. ولی اگر آموزش و پرورش به‌عنوان یک حق تلقی شود، برنامه‌ریزان ملزم خواهند بود که امکانات مساوی آموزش و پرورش را حتی در دورترین نقاط برای همه پیش‌بینی کنند و تمهیدات و تدابیری بی‌اندیشند که سدهای آموزشی از سر راه برداشته شوند.

رسالت و مأموریت آموزش و پرورش

رسالت و مأموریت آموزش و پرورش از آرمان‌های ملی آموزش و پرورش منشأ می‌گیرند و در حقیقت، هدف‌هایی هستند که نهاد آموزش و پرورش به خاطر آنها پدید آمده است، و برنامه‌ریزی و منظور تحقق بخشیدن به آنها انجام می‌شود.

این نوع هدف‌ها، مانند آرمان‌های ملی آموزش و پرورش، از نظر بُعد زمان، جزء هدف‌های بلندمدت به‌شمار می‌روند، و مانند آنها در قالب عبارات رنگین و کلی بیان می‌شوند؛ ولی نسبت به آنها مشخص‌تر و ملموس‌تر هستند. بدین قرار که در قوانین مختلف شکل می‌گیرند، و اولویت‌ها را منعکس می‌سازند، و خط مشی و سیاست آموزشی و پرورشی رسمی را مشخص می‌کنند. هدف‌های تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های تولیدی خدمات تحکیم و تقویت اعتقادات و شعایر دینی و اخلاقی، حفظ و گسترش میراث‌های فرهنگی، و القای همبستگی و وحدت و غرور ملی، جزء رسالت و مأموریت سیستم آموزش و پرورش ذکر می‌شوند. از این میان، بعضی از هدف‌ها نسبتاً دقیق و مشخص هستند برخی دیگر، مفهوم روشن و معین قابل اندازه‌گیری ندارند و می‌توانند به‌صورت‌های متفاوتی تعبیر و تفسیر شوند اگر منظور از سیستم آموزش و پرورش، مجموعه نهادها و مؤسسه‌اتی باشد که در تعلیم و تربیت مردم یک اجتماع مؤثر هستند، دامنه عمل و پوشش چنین سیستمی بسیار وسیع است؛ و طبعاً تعیین هدف‌ها یا رسالت و مأموریت آن نیز

جنبه کلی‌بافی پیدا می‌کند. ولی اگر منظور از سیستم آموزش و پرورش، مثلاً فقط محدوده عمل وزارت آموزش و پرورش باشد در این صورت رسالت و مأموریت آن محدودتر خواهد بود، و به همان نسبت نیز می‌توان هدف‌ها را دقیق‌تر بیان کرد.

به‌طور کلی، سیاست و رسالت سیستم آموزش و پرورش، مبین هدف‌های برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است و بر اساس آن، هدف‌ها و خط‌مشی‌های برنامه تعیین می‌گردد، هدف‌ها و خط‌مشی‌هایی از قبیل:

- خط‌مشی و سیاست عمومی آموزشی، مشتمل بر چگونگی ساخت و نظام آموزش و پرورش، طول دوره تحصیلات همگانی، مختلط بودن آموزش در دوره‌های مختلف، برابری فرصت‌ها و راه یافتن به مدارج مختلف آموزشی و امثال آن.

- خط‌مشی اقتصاد آموزش و پرورش، مشتمل بر سهمیه آموزش و پرورش، بودجه‌بندی فعالیت‌ها و برنامه‌ها، رایگان بودن آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و جز آنها.

- خط‌مشی توسعه آموزش و پرورش، مشتمل بر تعیین اولویت‌های دوره‌ها و برنامه‌های مختلف آموزش و پرورش، توزیع آموزش و پرورش، هماهنگی آموزش و پرورش با برنامه‌های دیگر توسعه ملی و امثال آنها.

- خط‌مشی کیفی و فنی آموزش و پرورش، مشتمل بر چگونگی تعیین محتوای برنامه‌های آموزشی، روان‌شناسی، تکنولوژی، نوآوری، و دیگر جنبه‌های فراگرد و تولید آموزش و پرورش.

هدف‌های درسی

هدف‌های درسی شامل تغییراتی هستند که انتظار داریم فراگرد آموزش و پرورش در کردار، گفتار، و پندار محصل ایجاد کند بعضی‌ها، هدف‌های درسی را فقط به معلوماتی که شاگرد باید کسب کند، اطلاق می‌کنند و به‌همین جهت آزمون‌هایی که تنظیم می‌کنند فقط یادگرفته‌های معلوماتی شاگردان را می‌سنجند. پوشش هدف‌های درسی خیلی وسیع‌تر از اکتساب معلومات می‌باشد، و شامل رشد فکری و تقویت قوای ذهنی، رشد و بلوغ عاطفی، پرورش مهارت‌های بدنی، آموزش فرهنگی و اجتماعی، آموزش حرفه‌ای و تخصص، پرورش (خوی) و تحکیم شخصیت، و آماده ساختن انسان برای خویشتن‌شناسی و دگرآگاهی، درک صفا و زیبایی و خلاقیت زندگی، و بالاخره معرفت حق و حقیقت است.

هدف‌های درسی از نظر بُعد زمان جزء هدف‌های کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت به‌شمار می‌روند. کوتاه مدت هستند برای اینکه هم‌زمان با پیشرفت درس، تکوین می‌یابند. میان مدت هستند برای اینکه طول مدت درس و دوره‌های آموزشی چند سال به درازا می‌انجامد. دراز مدت هستند برای آنکه با خوی انسان می‌آمیزند و در طول زندگی با او همراه هستند.

هدف‌های درسی از نظر بُعد اختیار ظاهراً توسط برنامه‌ریزان درسی تدوین می‌شود ولی در حقیقت، همه کسانی که فرهنگ اجتماع را بوجود می‌آورند، چه آنهایی که فرهنگ سازند، چه آنهایی که فرهنگ‌پذیر، همه به‌طور غیر مستقیم در تعیین هدف‌های درسی دست دارند؛ زیرا هدف‌های درسی از آرمان‌های آموزش و پرورش منشاء می‌گیرند، و آرمان‌های آموزش و پرورش نیز محصول فرهنگ مسلط کشور است، و فرهنگ مسلط کشور مشخص‌کننده نوع انسان‌های مورد نیاز. تمدن ماشینی و مادی انسان‌هایی می‌طلبد با ارزش‌های مادی، و تمدن معنوی انسان‌هایی آزاده با ارزش‌های انسانی. آنچه برنامه‌ریزان درسی و معلمان به‌صورت محتوای برنامه و هدف‌های درسی مشخص می‌سازند، انعکاس و ترجمانی است از آرمان‌ها و آمال آموزش و پرورش که در سطوح مختلف اختیار و سیاست‌گذاری فرهنگی و ملی قبلاً تعیین شده‌اند.

هدف‌های درسی، به زبان سیستم‌ها معرف فرآورد یا بازداد آموزش و پرورش می‌باشند. به‌طور کلی، چون برنامه‌ریزی آموزش و پرورش با برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزش و پرورش سر و کار دارد نه با واحدهای درسی که جزیی از برنامه‌های آموزشی هستند، بنابراین، هدف‌های کلی درسی را مطرح می‌کنند، به هدف‌های جزئی درسی را. منظور از هدف‌های جزئی درسی، هدف‌های تک‌تک

دروس و واحدهای آموزشی می باشد؛ مثل هدفهای درس واحد جامعه‌شناسی در رشته علوم تربیتی دوره لیسانس، درس واحد روانشناسی تربیتی در رشته علوم تربیتی دوره لیسانس، درس واحد سنجش و اندازه‌گیری. هدفهای کلی درسی به هدفهای دوره‌ها و رشته‌های درسی اطلاق می‌شود؛ مثل هدفهای رشته علوم تربیتی دوره لیسانس، هدفهای رشته تعاون و مدیریت اقتصادی، و امثال آنها. اگر برای سهولت یادآوری، هدفهای جزئی یعنی هدفهای در سطح دروس را هدفهای درسی بنامیم و هدفهای کلی یعنی هدفهای در سطح برنامه و فعالیت و دوره‌های آموزشی را هدفهای آموزشی، می‌توانیم بگوییم که برنامه‌ریزی آموزش و پرورش با هدفهای آموزشی سروکار دارد نه با هدفهای درسی. ولی، برنامه‌ریزی مواد درسی با هر دو نوع هدفها مربوط است.